

بنام یکتا خداوند بیهمتا

ستایش پاک یزدان را سزاست که بخودی خود زنده و پاینده بوده * هر نابودی از بود او پدیدار شده * و هر هستی از هستی او نمودار گشته * ای رستم ان شاء الله بعنایت رحمن مرد میدان باش تا از این زمزمه ایزدی افسرده گان را بر افروزی * و مرده گان را زنده و پزمرده گان را تازه نمائی * اگر باین نار که نور است پی بری بگفتار آئی و خود را دارای کردار بینی * ای رستم امروز نمودار کرم ذره را آفتاب کند * و پرتو تجلی انوار اسم اعظم قطره را دریا نماید * بگو ای دستوران باسم من عزیزید و از من در گریز * شما دستوران دیوانید اگر دستوران یزدان بودید با او بودید و او را میشناختید * ای رستم بحر کرم یزدانی آشکار * و آفتاب بخشش رحمانی نمودار * صاحب چشم آنکه دید * و صاحب گوش آنکه شنید * بگو ای کوران جهان پناه آمده روز بینائی است * بینای آگاه آمده هنگام جان بازی است * در این روز بخشش کوشش نمائید تا در دفتر نیکو کاران مذکور آئید * جز حضرت رحمن بر آمرزش گمراهان و گناه کاران قادر نبوده و نیست * کسی که هستی نیافته چگونه هستی بخشد * و صاحب خطا چگونه از خطا درگذرد *

﴿بگو ای دستوران﴾ محبوب عالمیان در زندان شما را بیزدان میخواند از او بپذیرید
* و بلاهای بی پایانرا از برای خلاصی شما قبول نموده از او مگریزید * از دشمن
دوست نما بگریزید و بدوست یکتا دل بندید * بگو ای مردمان برضای دوست راضی
شوید چه که آنچه را او برگزید اوست پسندیده * بگو ای دستوران کردار احدی امروز
مقبول نه مگر نفسی که از مردمان و آنچه نزد ایشان است گذشته و بسمت یزدان توجه
نموده * امروز روز راست گویان است که از خلق گذشته اند و بحق پیوسته اند * و از
ظلمت دوری جسته بروشنائی نزدیک شده اند * ای رستم گفتار پروردگار را بشنو و
بمردمان برسان *